

دهه سخت طبقه متوسط

ادامه ازصفحه ۱

واژه طبقه متوسط را نخستین بار شخصی به نام توماس گیبسون از سال ۱۷۸۵ به کار برد. گیبسون طبقه متوسط را در میانه زمین داران و اشراف از یک سو و کشاورزان و کارگران را از سوی دیگر تعریف کرد که شامل مالکان و کارآفرینان نیز می‌شد. در تعریف عمومی تر دیگر طبقه متوسط بین دو طبقه بالا و پایین جامعه قرار دارد. در پژوهش های مختلف طبقه متوسط ایران به دو گروه سنتی و جدید تقسیم می‌شود. طبقه متوسط سنتی شامل بازارو روحانیت و طبقه متوسط جدید شامل روشنفکران و تحصیل کردگان دانشگاهی هستند. یکی از پژوهشگران (علی جان مرادی جو در مقاله‌ای پژوهشی) طبقه متوسط جدید در ایران را مجموعه‌ای از افراد، گروه‌ها و اقشاری اطلاق می‌کند که دارای مشخصاتی از قبیل نیروی تحصیل کرده، دارای مهارت و استعداد حامل اندیشه‌های نو و سبک زندگی جدید و دنبال تغییرات اجتماعی و سیاسی مطابق با ساختارهای نظام جهانی بوده، نسبت به منافع و سرمایه‌های خود آگاه‌بوده، به اتحادی هرچند نسبی و غیررسمی رسیده‌اند و برای نگه داشتن موقعیت و قدرت پایه دست آوردن سرمایه‌های فوق بانیهوای اجتماعی دیگر در رقابت هستند. بررسی وضعیت طبقه متوسط در ایران نشان می‌دهد عمده اتفاقات حول این طبقه را باید در دهه سوخته ۹۰ جست‌وجو کرد. پژوهش هانشان می‌دهد تغییرات اقتصادی دهه ۹۰ ماهیت طبقات اجتماعی در ایران را دستخوش تغییر کرده و طبقه متوسطی که طبقه‌ای پویا و جریان ساز بوده با ریزش عمیقی، کوچک‌تر شده‌است. گرچه در آمارهای رسمی به بررسی وضعیت فراز و فرود طبقه متوسط ایران پرداخته نشده‌اما از نتایج گزارش های رسمی مختلفی می‌توان دریافت که طی یک دهه اخیر طبقه متوسط ایران بسیار کوچک‌تر شده‌است، به طوری‌که برای مثال درصد جمعیت زیر خط فقر ایران از حول وحوش ۱۷ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ به ۳۱ درصد تا سال ۱۳۹۰ و ۳۰ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده‌است. این به معنی سقوط اقتصادی بخشی از طبقه متوسط و پیوستن آنان به جمع فقر است. داده دیگری نشان می‌دهد بین سال های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ درصد جمعیتی که زیر ۲۱۰۰ کالری مصرف می‌کنند از ۳۳ تا ۳۸ درصد به ۶۰ درصد رسیده‌است. گزارش تحقیقی دیگری نیز نشان می‌دهد سهم طبقه متوسط از جمعیت ایران که از حول وحوش ۳۰ درصد در دهه ۷۰ به ۵۷ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ رسیده‌بود، تا سال ۱۳۹۹ به ۳۵ درصد رسیده‌است.

محاسبات «فرهیختگان» از هزینه‌ها دهک‌های مختلف خانوار شهری کشوری

سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۱ نیز نشان می‌دهد ارزش دلاری هزینه‌سالانه خانوار با دلار یابری

قدرت خریدی طی این مدت کاهش ۳۲ درصدی داشته‌است.

تحریم‌ها و به دنبال آن التهابات و جهش‌های ارزی، جهش‌های تورمی، عدم افزایش حقوق و دستمزد به اندازه تورم، جهش‌های شدید قیمت زمین، مسکن و اجاره و در کنار آنها رشد اقتصادی ناچیز دهه ۹۰ از جمله دلایل سقوط اقتصادی طبقه متوسط ایران است. برای نمونه سهم مسکن از هزینه‌های سبد خانوار شهری کشور از ۲۸ تا ۳۰ درصد در دهه ۷۰ و ۸۰ به ۳۸ درصد در سال ۱۴۰۱ و این میزان در استان تهران از ۳۹ تا ۴۰ درصد در دهه ۷۰ و ۸۰ به ۵۱ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده‌است.

نگاهی به سیاست حذف ارز ترجیحی پس از ۲ سال

محمدرضا واعظ پژوهشگر اقتصاد

پس از شکست جریان اصولگرایی در انتخابات ریاست جمهوری، علل متفاوتی برای این شکست مطرح شد. عده‌ای این شکست را به علت عدم توفیق اقتصادی دولت سیزدهم دانسته و مقصر اصلی این شکست را به سیاست حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی تقلیل دادند. از این رو قصد دارم در این یادداشت پس از گذشت دو سال، آثار حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی را بررسی کنم. در بررسی حذف ارز ۴۲۰۰ نکته‌ای که به آن کمتر اشاره شده و مورد غفلت قرار گرفته مقایسه تورم ناشی از ادامه ارز ۴۲۰۰ با تورم ناشی از حذف آن است. با توفیق تخصیص ارز ترجیحی از ارزیبسته‌ها ماه سال ۱۴۰۱، همچنان که انتظار می‌رفت متاثر از آثار تورمی اجرائی این طرح، نرخ تورم ماهانه با افزایش قابل توجه همراه شد و بالطبع روند حرکتی نرخ تورم نقطه به نقطه نیز در سه ماه ابتدایی اجرائی سیاست با افزایش نسبی مواجه گردید، به طوری‌که این تحولات در نرخ تورم نقطه به نقطه اردیبهشت، خرداد و تیر ماه سال ۱۴۰۱ منعکس شد. با این حال با تخلیه آثار تورمی آن در ماه‌های آغازین اجرائی این طرح، نرخ تورم به شرایط پیش از اجرائی این طرح و به حدود روند بلندمدت خود بازگشت.

از آن سو افزایش قیمت غلات به علت جنگ اوکراین، همچنین کاهش منابع حاصل از صادرات نفتی کشور طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ موجب شد منابع نفتی کفاف تأمین ارز مورد نیاز برای واردات کالاها یا نرخ ارز ترجیحی را ندهد و بانک مرکزی به ناگزیر، مقادیر قابل توجهی از ذخایر ارزی خود را برای جبران کسری حساب خزانه در تأمین ارز ترجیحی مصرف کند و خرید ارز به قیمت نیما و تخصیص به قیمت ۲۲۰۰ تومان باعث افزایش قابل توجهی در پایه پولی شد. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۵۷ درصد از افزایش پایه پولی در سال ۱۴۰۰ به علت تخصیص ارز ۲۲۰۰ بوده و با ادامه روند حاکم بر افزایش تقاضای ارز ۴۲۰۰ در صورت عدم حذف آن، از ناحیه جهش‌های ارزی به علت هدررفت منابع باکیفیت بانک مرکزی و از ناحیه گسترش پایه پولی و نقدینگی جهش‌های تورمی بیشتر اتفاق می‌افتاد و ادامه این مساله می‌توانست موجب تحمیق و افزایش تورم در بلندمدت شود. در محاسبه اثر خالص تورم ناشی از حذف ارز ترجیحی باید به این نکته نیز توجه کرد که تورم در سال ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب ۴۶٫۲۷، ۴۶٫۵ و ۴۶٫۵ بوده‌است و تورم در سال ۱۴۰۱ که در آن حذف ارز ترجیحی اتفاق افتاده نسبت به دو سال قبلی تقریباً یکسان بوده و محدود کردن کاهش قدرت خرید مردم در سال‌های اخیر صرفاً به حذف ارز ترجیحی، تقلیل مساله و باعث توجه نکردن به ناترازی‌های اصلی اقتصاد ایران می‌شود.

باید به این موضوع نیز توجه کنیم کالاهای اساسی که طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ به‌طور پیوسته از ترجیحی دریافت می‌کردند طی این سه سال با فاصله کمی از تورم همچنان افزایش قیمت مستمر داشته‌اند و تخصیص ارز ترجیحی نتوانسته بود مردم را در برابر گرانی کالاهای اساسی بیمه کند. برای مثال مرغ، کالایی که تقریباً ۸۰ درصد از نهاده‌های تولید آن از ترجیحی دریافت کرده‌اند طی سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ قیمت مصرف‌کننده آن حدود ۲٫۵ برابر شده در حالی‌که با حذف ارز ترجیحی قیمت مرغ از حدود ۳۰ هزار تومان بعد از حذف از ترجیحی در آخر اردیبهشت به ۲۲ هزار تومان رسیده و تا مراد ماه ثابت بوده‌که نشان از اثر ۴۰ درصدی حذف ارز ترجیحی بر قیمت کالاهای اساسی دارد. اثری که با تخصیص یارانه نقدی تا حد قابل قبولی جبران شد. همچنین تحلیل داده‌های هزینه خانوار نشان می‌دهد یارانه تخصصی داده‌شده برای جبران هزینه افزوده شده به سبد هزینه خانوار در دهک‌های اول تا سوم درآمدی موجب بهبود وضعیت خانوار نسبت به قبل شده در حالی‌که خالص این اثر برای دهک‌های چهارم تا نهم درآمدی منفی بوده و در مجموع خالص اثر برای دهک‌های پایین درآمدی مثبت ارزیابی می‌شود. با توجه به آثار مثبت حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی از جمله جلوگیری از افزایش پایه پولی و افزایش تورم، کاهش تقاضای کاذب کالاهای اساسی، جلوگیری از قاچاق کالاهای اساسی به کشورهای همسایه، کاهش ناترازی منابع و مصارف ارزی، کاهش کسری بودجه و بهبود معیشت سه دهک اول درآمدی این سیاست با همه نواقص در نحوه اجراء از جمله نقاط درخشان دولت سیزدهم بوده‌که رهبر انقلاب نیز آن را از کارهای مثبت اقتصادی دولت سیزدهم و اجرائی آن را لازم دانستند. اینکه به جای بررسی عوامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شکست یک جریان سیاسی در انتخابات، صرفاً به یک سیاست اقتصادی که آثار مثبت آن به مراتب پرزگتر از هزینه آن بوده تقلیل داده‌شود، بیشتر استنادلی برای ماهی گرفتن از آب گل‌آلود جهت تسویه حساب‌های سیاسی به نظر می‌رسد تا دلسواری برای جریان انقلاب!

فعالان ساخت‌وساز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از تبعات تاخیر صدور پروانه‌های ساختمانی گفتند



وقتی رسیدگی انجام می‌شد دیگر کار تمام و پروانه صادر می‌شد اما امروز این روال به شکل گذشته نیست. وقتی مدارک لازم ارائه و بارگذاری شهردا، سیستم بررسی کرده و مشکلی وجود ندارد دیگر نیازی به کنترل نیست و باید پروانه صادر شود. تازه متوجه شدند که باید تعداد افراد کمیته را به سه نفر برسانند؛ اگر این کار را نکنند!

قاعده سراسری برای صدور پروانه در کشور وجود ندارد

محمدصادق پارسامهر، عضو انجمن انبوه‌سازان مسکن در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره روند صدور پروانه در استان‌های کشور اظهار داشت: «مدت زمان صدور پروانه ساخت‌وساز در ایران در استان‌های مختلف متفاوت است. به نظر می‌رسد وضعیت استان تهران بهتر از سایر استان‌هاست. در شهرستان‌هایی از جمله استان همدان پروانه ساخت‌وساز در کمتر از شش ماه صادر نمی‌شود؛ عملاً این فرآیند بین شش ماه تا دو سال زمان نیاز دارد. در استانی مانند خراسان رضوی و شهرهای شمالی ایران این فرآیند بهتر انجام می‌شود. در خراسان رضوی بین ۲۵ روز تا سه ماه پروانه صادر می‌شود. نحوه تعریف فرآیند صدور پروانه در هر استان بسیار مهم است؛ چراکه متأسفانه یک قاعده کلی برای کل استان‌های کشور وجود ندارد. متأسفانه به‌رغم ارائه درخواست برای یکسان‌سازی فرآیند هنوز این موضوع به سرانجام نرسیده‌است. اگر نظارت کشوری بر صدور پروانه ساخت‌وساز وجود داشته باشد قطعاً فرآیند بهتر خواهد شد.»

تاخیر صدور پروانه علیه سرمایه‌گذاران

پارسامهر افزود: «وقتی من به عنوان سرمایه‌گذار تصمیم می‌گیرم در یک پروژه ۱۰۰ میلیارد تومانی سرمایه‌گذاری کنم، بسیار تفاوت دارد که پروانه ساخت آن یک‌ماهه به دست من برسد یا یک‌ساله؛ طولانی شدن این فرآیند منجر به متضرر شدن سرمایه‌گذار می‌شود. هر پروژه و هر کاری که زمان‌بر شود، منجر به بروز فساد می‌شود. انبوه‌ساز می‌خواهد کارش زودتر انجام شود و ممکن است از هر طریقی اقدام کند که متحمل ضرر مالی نشود؛ این اقدام لزوماً درست نخواهد بود و می‌تواند غیراصولی باشد. پیشنهاد می‌کنم دولت چهاردهم صدور پروانه ساخت‌وساز را تسهیل و یکپارچه کند. این مسیر از وزارت راه و شهرسازی می‌گذرد. متأسفانه یکی از گره‌های فعالیت ما در استان همدان سازمان نظام مهندسان است که فرآیند صدور پروانه را طولانی‌تر می‌کند.»

یک سال دوندگی مجوز برای ۲ سال ساخت!

حسن محتشم، عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان مسکن استان تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره مدت زمان صدور پروانه ساخت‌وساز تصریح کرد: «صدور پروانه ساخت‌وساز مراحلی دارد که مدت زمان آن در شهرداری‌های مختلف در سطح کشور متفاوت است. شاید بتوان گفت بیشترین زمان صدور پروانه ساخت‌وساز به‌واسطه وجود پیچیدگی مربوط به تهران است. ما در سال ۱۴۰۰ یک همایش برگزار کردیم و در آنجا وعده دادند مدت زمان صدور پروانه بالای یک‌سال را به سه ماه برسانند و برای تحقق این امر دو کمیته را در صدور پروانه حذف کردند که یکی از آنها کمیته‌نما بود؛ اما در مجموع نتوانستند آن‌گونه که وعده دادند عمل کنند ولی این مدت زمان به کمتر از یک‌سال رسید.» به‌طورکلی روند اخذ مجوز ساخت‌وساز ناناسب و طولانی است؛ چراکه اجرائی یک ساختمان ممکن است دو سال طول بکشد اما صدور مجوز آن ۶ ماه تا یک‌سال زمان نیاز دارد. دلیل این مورد به طولانی بودن سیستم پروکراسی اداری بازمی‌گردد؛ متأسفانه مسئولان مربوطه آن‌گونه که باید و شاید پاسخگو نیستند و سرعت عمل لازم را ندارند. ما توجه به وعده‌هایی که در این زمینه داده شده بود، مدت زمان صدور پروانه ساخت‌وساز می‌تواند به یک‌ماه تا ۲۵ روز برسد. بدنه نیروهای شهرداری باید با همکاری این فرآیند را تسریع کنند. الان به روال معمول کمتر از ۶ ماه پروانه صادر نمی‌شود، اما صدور برخی پروانه‌ها ممکن است تا دو سال هم طول بکشد؛ این موضوع به پیگیری متقاضی و عواملی مانند ایراد‌های نقشه در زمان ارائه به کارشناس شهرداری بستگی دارد. این موارد در شهرهای کوچک کمتر است و در مجموع به‌ازه زمانی صدور پروانه یک‌سوم تهران است.

صدور پروانه ساخت‌وساز در یک روز!

رئیس انجمن انبوه‌سازان مسکن در ادامه اظهار داشت: «همچنین ضرورت دارد زمان بررسی درخواست مشخص شود و در صورت وجود اشکال در طی چند ساعت اشکالات اعلام و توسط متقاضی حل شود. اگر هم مدارک ایرادی وجود ندارد برای مثال بعد از ۲۴ ساعت وارد مرحله دوم شود. مدیریت باید برای بررسی درخواست صدور پروانه ساخت‌وساز بازه زمانی تعیین کند. در چنین شرایطی هم از فساد جلوگیری می‌شود و هم پاسخگویی و کنترل به‌گونه‌ای مسئولانه انجام می‌شود. این شرایط در کشورهای پیشرفته وجود دارد. مساله صدور پروانه ساختمانی چون یکتراخت و یک‌نوع نیست مشکلات مراحل فرآیند‌های مختلفی دارد. به نظر من شهردار و مسئول شهرداری باید این موضوع را حل و تسهیل کند. بدنه کار، بدنه قدیمی است و تغییر در سیستم سخت و زمان‌بر خواهد بود؛ الزام تحقق این امر نیازمند مدیریت و مسئول کردن افراد مرتبط است. نیاز است بالادستی در شکایات ورود کند. موردی بود که برای یک ملک با زیربنای چهار هزار و ۵۰۰ متری به دلیل آشنایی با شهردار یک‌روزه پروانه صادر شده بود، یعنی امکان صدور پروانه در کوتاه‌ترین زمان ممکن هم فراهم است.»

هفت‌گانه ناقص

سیستم صدور پروانه اشتغال انبوه‌سازان

رهبر افزود: «امیدوارم در راستای حل این مساله که سال‌هاست انبوه‌سازان را با مشکل مواجه کرده مدیریت و برنامه‌ریزی شود. علاوه‌بر صدور پروانه ساختمانی، صدور پروانه اشتغال انبوه‌سازان نیز با همین مشکل مواجه است؛ هرچند این فرآیند سیستمی است اما مسئولان و کنترل‌کنندگان سیستم صلاحیت و دانش لازم برای این کار ندارند. ما پیشنهاد کردیم تعداد افراد کم شود. کمیته بررسی پروانه‌ها که متشکل از هفت نفر از مدیران مختلف ارگان‌های مختلف با سلیق متفاوت است، درخواست متقاضی را بررسی می‌کنند. در گذشته که سیستم نبود

همسایگان و ساکنان حائز اهمیت است که فرآیند را زمان‌بر می‌کند. اگر شهرداری بتواند این فرآیند را سیستماتیک کند، به‌طوری‌که حتی متقاضی مراجعه حضوری نداشته باشد، هم فرآیند تسریع و هم فشار کم می‌شود. حضوری بودن مراجعه منجر به بروز فساد نیز می‌شود. با توجه به اینکه شهرداری‌ها مستقل هستند، شهردار توسط شورای شهر انتخاب می‌شود و ذیل دولت تعریف نمی‌شوند، شورای شهر باید شهردار را پاسخگو کند. شهردار باید روند را تسریع کند. نمی‌توان گفت دولت خیلی دخالت دارد، چون شورای شهر از طرف مردم و شهردار توسط شورا انتخاب می‌شود. پیشنهاد ما درکل این است که وزارت کشور به‌عنوان نهاد ناظر از سوی حاکمیت شهرداری‌ها را نسبت به متقاضیان پاسخگو کند.»

قفل صدور پروانه در سازمان نظام مهندسی

فرشید پورحاجت، دبیر انجمن انبوه‌سازان مسکن در گفت‌وگو با «فرهیختگان» پیرامون عوامل موثر بر طولانی شدن فرآیند صدور پروانه در کشور عنوان کرد: «بازه زمانی صدور پروانه در کشور بستگی دارد که چه فرآیندی را برای این موضوع تعریف می‌کنیم. موضوعی که اکنون با آن دست به گریبان هستیم این است که مجموعه‌های استعلامات و مجوزهایی که منتج به صدور پروانه ساختمان می‌شود، برای شهرداری‌ها مشکل ایجاد کرده‌است. اگر بگوییم شهرداری بعد از چه مدت پروانه صادر می‌کند، من می‌توانم بگویم شهرداری می‌تواند صرف یک هفته هم پروانه صادر کند، اما یک سوی دیگر ماجرا دستگاه‌های متولی هستند که به نوعی بالغ بر ۶ ماه تا یک‌سال بازه زمانی صدور پروانه را طولانی می‌کنند. اگر بخواهیم روی این موضوع سازمان نظام مهندسی دست بگذاریم بیشترین زمان را بابت صدور پروانه ساختمان از فعالان بخش خصوصی می‌گیرد. هیچ نقشه‌ای در سازمان نظام مهندسی نیست که ورود کند و کمتر از ۶ ماه خارج شود. سایر دستگاه‌های خدمات‌رسان مانند شرکت توزیع نیروی برق، آتش‌نشانی، آبفا و… نیز در این مورد دخیل هستند. موضوع اصلی قفل صدور پروانه‌ها مربوط به سازمان نظام مهندسی و پروکراسی آن است. اگر کسی بتواند ظرف ۶ ماه پروانه ساخت دریافت کند، فرد خوش‌شانس و پای‌کاری است و زنبیل خود را دم در شهرداری گذاشته‌است.»

پورحاجت بیان کرد: «بالغ بر ۵۰ درصد هزینه‌های ساخت‌وساز به قیمت زمین بازمی‌گردد. وقتی سرمایه‌ فعال بخش خصوصی ۶ ماه تا یک‌سال توسط شهرداری و سازمان نظام مهندسی قفل می‌شود، گردش نقدینگی، کارآفرینی، بازگشت سرمایه و… در این حوزه صورت نمی‌گیرد.

ماحصل این موضوع کاهش ساخت مسکن است؛ اوضاع در بدترین شرایط در ۱۵ سال گذشته است. بخشی از مجوزها که توسط سازمان نظام مهندسی قفل شده به نگاه وزارت راه‌وشهرسازی و شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های آن بازمی‌گردد. این دستورالعمل‌ها این قابلیت را دارند که فرآیند را تسهیل و تسریع کنند. ما در شرایطی هستیم که آزمایش خاک، حدود ۵۰ روز زمان نیاز دارد. زمانی که فرم تهیه نقشه تقاضا می‌شود، یک پروسه زمانی ۴۰ تا ۵۰ روزه صرف مطالعات خاک و ژئوتکنیک می‌شود. تمام گراف‌های خاک کشور توسط شرکت‌های مهندسین مشاور، مترو، آبفا، وزارت نفت و… وجود دارد؛ وزارت راه و شهرسازی می‌تواند با مداخله در این حوزه این فرآیند را از ۴۵ روز به یک روز کاهش دهد. موضوع این است که این عزم وجود دارد یا خیر. کشورهای دیگر در حوزه طراحی و اجرائی ساختمان از مدل‌های DB استفاده می‌کنند اما در ایران از آن استفاده نمی‌شود. سیستم موجود در سازمان نظام مهندسی روند توسعه را قفل کرده‌است.»

مجوزهای شهرداری تهران به درگاه ملی مجوزها وصل می‌شود

امیر سیاح، رئیس مرکز بهبود محیط کسب‌وکار وزارت اقتصاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تصریح کرد: «در فرآیند تسهیل صدور مجوزها برخی دستگاه‌ها به تکالیف خود عمل نکردند؛ یکی از دستگاه‌ها بخش مسکن وزارت راه و شهرسازی است که منجر به طولانی شدن فرآیند صدور پروانه ساخت‌وساز شده‌است. یکی دیگر از دستگاه‌ها وزارت کشور است که شرایط صدور پروانه ساختمان را هنوز که هنوز است بعد از گذشت دو سال و نیم از لازم‌الاجراء شدن فراهم نکرده‌است. به‌جز شهرداری تهران که خود برای پیشبرد این موضوع پیش‌قدم شد، وزارت کشور نسبت به مشخص کردن اسامی مجوزها و پاسخگو کردن باقی شهرها اقدام نکرده‌است. در میان شهرداری‌ها فقط شهرداری تهران همکاری کرده‌است. ما وقتی دیدیم وزارت کشور به اجرائی قانون اهمیت نمی‌دهد، تصمیم گرفتیم کار را با شهرداری تهران پیش ببریم و به نتیجه برسانیم و آن را به تدریج به باقی کشورها توسعه بدهیم. شهرداری تهران یک سامانه درست کرده‌است که به زودی به درگاه ملی مجوزها متصل و مجوزهای شهرداری از طریق درگاه ملی صادر می‌شود. بعد از اینکه این شرایط فراهم شود به سایر استان‌های کشور تسری پیدا می‌کند. این سامانه در حال حاضر برقرار شده و در مرحله آزمایش است؛ تا چند هفته دیگر به نتیجه می‌رسد.»